



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۷ دی ۱۳۹۳

مصادف با: ۵ ربیع الاول ۱۴۳۶

جلسه: ۶

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

موضوع جزئی: روش تفسیری علمی (اهمیت)

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

روش تفسیری علمی

یکی از بحثهایی که در ادامه بحث از روش‌های تفسیری مطرح می‌شود بحث از روش تفسیری علمی است. در آغاز بحث لازم است به نکاتی اشاره کنیم:

وجوه اهمیت این بحث

آن چه لازم است در آغاز بحث به آن اشاره شود این است که بحث از روش تفسیر علمی در شرائط کنونی یکی از مسائلی است که از چند جهت مهم است:

جهت اول

از یک جهت بعضی از مطالب علمی که در قرآن آمده به نوعی با بعضی از پدیده‌ها و کشفیات جدید بشری و قوانین به حسب ظاهر ناسازگار است و این دست‌مایه‌ای شده برای ملحدین و منکرین قرآن که ادعای تعارض قرآن و دین را با علم مطرح می‌کنند، از طرف دیگر مسلمین به خاطر غلظه و تعصبی که نسبت به قرآن دارند در مقام دفاع از قرآن و پاسخ به شبهات و ابهاماتی که از طرف منکرین قرآن القاء می‌شود، بر آمده و در صدد رفع منافات یا ایجاد تطبیق بین قرآن و کشفیات جدید بشری هستند، حال اگر در این میان موضع صحیحی اتخاذ نشود در بین نسل جدید مسلمین مشکل ایجاد خواهد کرد، یعنی باعث خواهد شد که در یک تعارضی گرفتار شوند و به اعتقاداتی منجر شود که خود آن اعتقادات مشکلات خاصی را تولید خواهد کرد، کأن یک عده‌ای در تلاش هستند بین علوم تجربی و آنچه در قرآن آمده انطباق حاصل شود و به هر قیمتی به دنبال این همسان سازی می‌باشند و این کار قهراً مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت.

پس از یک جهت انکار قرآن با حربه قضایا و قوانین علوم تجربی که نتایج آن معلوم است و مخصوصاً در شرایط کنونی و در عصر حاضر که عده‌ای در صددند همه چیز را با معیار و ملاک علمی به معنای خاصش، بسنجند روش تفسیری علمی خیلی تأثیرگذار است؛ چون در نظر جمعی هر چیزی که علمی باشد و در دایره تجربه بشر قرار گیرد، پذیرفته می‌شود و هر چیزی که در این چارچوب قرار نگیرد، رد می‌شود لذا این یک تهدیدی برای قرآن است که بیرونی است، یعنی از بیرون جامعه مسلمین را تهدید می‌کند.

از طرف دیگر یک تهدید درونی هم هست که از ناحیه مسلمین و اهل علم است که با حُسن نیت، در صدد همسان سازی بین آیات قرآن و علوم تجربی هستند و در این همسان سازی راه افراط را در پیش می‌گیرند، یعنی گویا همه چیز را باید در این قالب ریخت هر چند با تکلفات و توجیهاات غیر قابل قبول، لذا این یک تهدید درونی است که به التقاط منجر می‌شود. بعلاوه چه

بسا بعد از مدتی که خطای قضایای علوم تجربی [که بعضاً یا عمدتاً غیر قطعی هستند] ثابت شود آیات قرآن نیز در این همسان سازی و انطباق دچار مشکل شود. لذا به خاطر این دو تهدید (بیرونی و درونی) باید نسبت علوم تجربی با قرآن معلوم شود.

جهت دوم

ما در پیشینه تاریخی تفسیر قرآن مشاهده می‌کنیم که این روش (روش تفسیری علمی) در ادوار مختلف مورد توجه بوده است و این ما را وادار می‌کند این روش تفسیری (روش تفسیری علمی) را مورد بحث و بررسی قرار دهیم چه بخواهیم و چه نخواهیم این گذشته و تاریخ تفسیر در قرآن ما را به این جهت و این نکته می‌رساند که بخشی از تفاسیر، تفاسیر علمی هستند (ما فعلاً در صدد بیان اهمیت بحث از این روش تفسیری هستیم و بعداً در رابطه با پیشینه آن بیشتر بحث خواهیم کرد) و لذا نمی‌توان آن را نادیده گرفت. به هر حال اگر ما به گذشته مفسیرین و تاریخ تفسیر رجوع کنیم می‌بینیم باب علوم تجربی و قضایای علوم تجربی [البته با محدوده متفاوت] را برای فهم آیات باز کرده‌اند، پس ما ناچاریم این روش (روش تفسیر علمی) را یک روش تفسیری بدانیم و آن را مورد ارزیابی قرار دهیم.

جهت سوم

جهت سوم این است که متجاوز از ۱۳۰۰ آیه در قرآن به واقعیت‌های طبیعت و این عالم اشاره دارد، لذا ما با تعداد زیادی از آیات مواجهیم که یا به عنوان مثال، یا به عنوان بیان یک واقعیتی از واقعیت‌های نظام هستی در عالم طبیعت و یا در ضمن بیان یک قصه‌ای از قصص قرآنی به واقعیات طبیعی این عالم اشاره کرده است، لذا قهراً ما باید ببینیم تا چه حد می‌توانیم در این محدوده از معرفت بشری و قضایایی که در علوم تجربی بیان شده استفاده کنیم و آیا اینها می‌تواند به فهم معانی آیات و مراد خداوند کمک کند یا نه؟

بنابراین با توجه به جهات سه‌گانه‌ای که عرض شد به نظر می‌رسد بحث از روش تفسیری علمی بحث مهمی است که باید به آن پرداخته شود مخصوصاً اینکه تب و تاب این مسئله در بین مسلمین بالا گرفته است و خیلی افراد به عنوان یک هنر ادعای این همسان سازی را داشته و در صددند قضایای علوم تجربی را از قرآن استفاده کنند. البته این مطلب تازه‌ای نیست و در گذشته بعضی از بزرگان از جمله غزالی معتقد بودند همه علوم در قرآن وجود دارد از جمله اینکه گفته‌اند در قرآن هزاران علم وجود دارد.

البته اینکه نتوان همه چیز را از قرآن استخراج کرد دلیل بر نقص قرآن نیست چون چه بسا بسیاری از چیزهایی که در قرآن بیان شده خارج از فهم بشر باشد و هنوز بشر آن را درک نکرده است و ممکن است میلیون‌ها سال طول بکشد که بشر گوشه‌ای از مجهولات این عالم را کشف کند، همان‌گونه که معروف است فقط یک جزء از علم تا زمان ظهور حضرت ولی عصر (عج) آشکار خواهد شد و با اینکه علم اینقدر پیشرفت کرده و بشر چیزهای زیادی را کشف کرده ولی باز هم رمز و رازهای زیادی باقی مانده که بشر آنها را درک نکرده است و گویا هر چه علم پیشرفت می‌کند به جای اینکه بر معلومات بشر افزوده شود، بر مجهولات او افزوده می‌شود و انسان بیشتر می‌فهمد که خیلی از چیزها را نمی‌داند.

به هر حال چون تب و تاب تفسیر علمی بالا گرفته و این به عنوان یک توانمندی مطرح است که مثلاً می‌گویند فلان کس قرآن را به نحوی تفسیر می‌کند که با همه یافته‌های بشری منطبق است و بعضی از آن به عنوان اعجاز قرآن یاد می‌کنند. ضرورت پرداختن به روش تفسیری علمی بیشتر آشکار می‌گردد.

ما در تنقیح موضوع بحث خواهیم گفت که منظور ما از علم چیست و علم تا چه اندازه‌ای در تفسیر قرآن دخالت دارد، مثلاً اینکه زمین در یک مداری خاص به دور خورشید می‌گردد و ماه گرد زمین می‌گردد یک امری قطعی است در حالی که در گذشته این گونه نبوده و همه فکر می‌کرده‌اند زمین ثابت است و همه چیز دور زمین می‌گردد. لذا در قطعیات مشکلی نیست که ما آیه‌ای از قرآن را با قطعیات تفسیر کنیم اما نمی‌توان احتمالات و ظنیات را در تفسیر قرآن دخالت داد. این مطلب زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که کثیری از قضایای علوم تجربی در حد فرضیه می‌باشند و هنوز ثابت نشده‌اند تا به عنوان یک قانون قلمداد شود.

تعریف تفسیر علمی

مطلب دیگر این است که منظور از تفسیر علمی چیست؟ خود تفسیر یک علم است، اگر ما از عقل خود کمک بگیریم، اگر مبتنی بر دانش‌های مورد نیاز تفسیر، آیه‌ای را تفسیر کنیم، طبیعتاً همه اینها علمی هستند، حتی اگر از مدرکات قطعی عقل استفاده کنیم یا از یک قاعده فلسفی یا منطقی قطعی استفاده کنیم، همه اینها به نوعی تفسیر علمی محسوب می‌شوند لکن هیچ کدام از اینها مد نظر نیست بلکه منظور ما از علم که روش تفسیر منسوب به آن می‌شود، علوم تجربی و علوم انسانی است. علوم تجربی یعنی علوم طبیعی که در مقابل الهیات، فلسفه، علوم متافیزیکی و ماورائی، علوم عقلی و نقلی قرار دارد. البته خیلی از افراد دچار اشتباه شده و روش تفسیری علمی را به نحوی معنی کرده‌اند که شامل علوم مثل فلسفه و الهیات هم می‌شود در صورتی که منظور از علم در روش تفسیری علمی، علوم تجربی و طبیعی و علوم مثل جامعه‌شناسی، روانشناسی و... است. یعنی قوانین و قضایای علوم تجربی و طبیعی و قوانین علوم انسانی که در فهم آیات و تفسیر آیات و کشف مراد خداوند تبارک و تعالی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در رابطه با معانی روش تفسیری علمی انظار و آراء مختلفی وجود دارد. موافقان و مخالفان این روش بعضاً راجع به موضوع واحدی سخن نگفته‌اند و این باعث شده نزاع‌هایی صورت گیرد که اساس آن بر ابهام در موضوع بحث استوار است. هم‌چنین دامنه مورد اختلاف به درستی تبیین نشده، لذا ما قصد داریم در درجه اول موضوع نزاع را تبیین کنیم سپس به محدوده بحث از روش تفسیری علمی بپردازیم؟ اجمالاً عرض کردیم منظور از علم در اینجا علوم تجربی و طبیعی و علوم انسانی جدید است ولی اینکه روش تفسیری علمی چگونه است و چه محدوده‌ای را در بر می‌گیرد مسأله‌ای است که ان شاء الله در جلسه آینده به آن اشاره خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»